

گزارش برگزاری کنفرانس یازدهم اتحاد سوسیالیستی کارگری

یازدهمین کنفرانس سالانه اتحاد سوسیالیستی کارگری در روزهای 18 تا 21 ژوئیه 2015، به مدت چهار روز برگزار شد. رفقای از سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان بعنوان مهمان در این کنفرانس حضور داشتند و پیام نیز فرستادند. مباحث این کنفرانس از طریق مصاحبه و مقاله به اطلاع خواهد رسید.

کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد و با تصویب آئین نامه ادامه یافت. کنفرانس هفت موضوع را در دستور کار جلسات گذاشت از این قرار: ۱- در کجا ایستاده ایم؛ ۲- رابطه تشکل حزبی و تشکل توده ای کارگری؛ ۳- گزارش سیاسی؛ ۴- فعالیت های همبستگی در خارج کشور؛ ۵- تلویزیون به پیش؛ ۶- گزارش عملکرد سازمان در فاصله دو کنفرانس و ۷- انتخابات.

۱- ما کجا ایستاده ایم

این بحث مکانیسم حرکت جنبش کارگری و چگونگی تاثیر گذاری جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری بر کل حرکت طبقه کارگر را بررسی کرد که در عین حال بحثی درباره روند پایان دادن به جدایی سوسیالیسم از جنبش کارگری نیز بود.

در ابتدا بر چند نکته کلیدی برای درک بهتر بحث تاکید شد. اتحاد سوسیالیستی کارگری در داخل کشور هیچ عضو و تشکیلاتی ندارد. گرایش و یا جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری، اسم مستعار اتحاد سوسیالیستی کارگری نیست. اما "ما کجا ایستاده ایم"، به معنای این که اتحاد سوسیالیستی کارگری کجا ایستاده، نیست. بلکه مسئله بررسی موقعیت کل گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری است که در درون خود با تاکیدات متفاوتی بر سر بعضی از موضوعات روبروست و همین پایه های پویایی درونی این گرایش است.

تاکید شد که جنبش کارگری و فعالین آن همواره در معرض انتخاب مسیر و راههایی هستند که جریانات سیاسی و طبقاتی متفاوت در مقابل آن می گذارند و در هم آمیزی سوسیالیسم با جنبش کارگری معنایی جز حضور دائمی فعالین گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری در تعیین و انتخاب مسیری که در نهایت به رهایی طبقه کارگر می انجامد، ندارد. هدف تبلیغ و ترویج و سازماندهی سوسیالیستی، هموار کردن راه جنبش کارگری برای انتخاب درست و طبقاتی یکی از مسیرهای گوناگونی است که در مقابل مبارزه اش علیه صاحبان سرمایه و صنایع و دولت حامی آنها قرار می گیرد. از این منظر سیر پیشروی جنبش کارگری در پانزده سال گذشته بررسی شد و تاثیر جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری در تعیین سمت و سوی حرکت فعالین و تشکل های جنبش کارگری در انتخاب راهها و مسیرهایی که در مقابل خود داشتند، مورد ارزیابی قرار گرفت.

اتحاد سوسیالیستی کارگری مطابق بیانیه اعلام موجودیتش در ماه مه سال 2000، بخشی از گرایش بزرگ چپ و سوسیالیست جنبش کارگری است که از ابتدای فعالیتش تاکنون در فعل و انفعالات مبارزاتی و نظری آن حضور فعال داشته و بر آن تاثیر گذاشته و تاثیر پذیرفته است. در این گزارش تنها به دو مورد از مقاطع مهم و تعیین کننده آن که پایان یافتن حاکمیت نظریه "در شرایط اختناق، ایجاد تشکل کارگری غیر ممکن است" و تثبیت اصل "خود اتکایی مالی جنبش کارگری" بود، اشاره می شود.

الف - نا ممکن بودن ایجاد تشکل کارگری در شرایط اختناق

از اواخر دهه هفتاد در میان فعالین جنبش کارگری بحث هایی جریان یافت که در نهایت به حاکمیت ایده ایجاد تشکل کارگری در شرایط اختناق و دیکتاتوری غیر ممکن است، پایان داد و در نتیجه، مبارزه کارگران از تلاش برای بدست آوردن حق ایجاد تشکل فراتر رفت و به دست به کار شدن برای ایجاد تشکل کارگری منجر شد که حاصل آن تاکنون چندین تشکل توده ای کارگری نظیر سندیکای کارگران واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و چندین تشکل فعالین

کارگری نظیر کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی بوده است. در تعیین این جهت گیری تاریخی و حاکم شدن این گفتمان در جنبش کارگری، فعالین گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری سهم تعیین کننده داشتند.

نه تنها این بلکه در مسیر ایجاد تشکل نیز اساسا دو مسیر در مقابل جنبش کارگری بود. یک، ایجاد تشکلهای کارگری با اجازه از دولت و کارفرماها که از همان ابتدا تشکل کارگری همسو و هم جهت با منافع و صلاحدید کارفرماها و دولت می بود و مسیر دوم، ایجاد تشکل کارگری بدون اجازه از دولت و کارفرما که بر ضدیت منافع کارگر با کارفرماها و دولت تاکید می کرد که از آن میان تنها این مسیر دوم در راستای رهایی طبقه کارگر از ستم و استثمار قرار داشت. در این مقطع نیز فعالین گرایش چپ و سوسیالیست در راهی که جنبش کارگری انتخاب کرد و آن، ایجاد تشکل بدون اجازه از کارفرما و دولت بود، سهم بزرگی داشتند.

ب - اتکا به خود مالی جنبش کارگری یا اتکا به سولیداریتی سنتر

اتکا به خود مالی جنبش کارگری بعنوان بخش مهمی از حفظ صف مستقل جنبش کارگری از تمامی جریانات صاحب سرمایه و صنایع و یا دریافت کمک مالی از منابع و دولت های سرمایه داری از جمله سولیداریتی سنتر و رفتن به مسیر راه حل آمریکایی برای جنبش کارگری، یکی دیگر از مقاطعی است که جنبش کارگری در پانزده سال گذشته در معرض یک انتخاب مهم و تعیین کننده قرار گرفت. فعالین گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری با مخالفت قاطع با سولیداریتی سنتر و راه حل آمریکایی بر حفظ صف مستقل جنبش کارگری پای فشردند زیرا رهایی طبقه کارگر از استثمار از جمله در گرو استقلال طبقه کارگر از همه حامیان صاحبان سرمایه و صنایع است. جنبش کارگری ایران و فعالینش راه حل آمریکایی و سولیداریتی سنتر را پس زدند و راهی را برگزیدند که فعالین گرایش چپ و سوسیالیست توصیه می کردند.

هنگامی که اسانلو به خارج آمد ابتدا کوشید منافع جنبش کارگری را به جهانشاهی و سپس به سلطنت طلبان بفروشد. مجددا یک صف آریایی گسترده برای حفظ صف مستقل جنبش کارگری که یک وجه مهم آن استقلال مالی بود، شکل گرفت و تعدادی از احزاب و سازمانهای چپ و از جمله هر سه حزب کمونیست کارگری نیز وارد این جدال شدند و به دفاع از اسانلو پرداختند. در این جدال بی نظیر در تاریخ جنبش کارگری ایران، فعالین و تشکلهای کارگری ایران از خارج و داخل و از درون زندان به هم پیوستند و اسانلو و حامیانش را کنار زدند. موفقیت اسانلو و حامیانش، جنبش کارگری ایران را به زائده جریانات مدافع صاحبان سرمایه و صنایع تبدیل می کرد. فعالین جناح چپ و سوسیالیست در مسیری که جنبش کارگری انتخاب کرد سهم بزرگ و تعیین کننده ای داشتند.

در این بحث نشان داده شد که چگونه در پانزده سال گذشته اتحاد سوسیالیستی کارگری بعنوان بخشی جدایی ناپذیر از فعل و انفعالات نظری و مبارزاتی جناح سوسیالیست جنبش کارگری، در مقاطع مختلف در مسیری که جنبش کارگری و فعالینش برگزیده اند، سهم اساسی داشته است. انتخاب راه حل سوسیالیستی برای پایان دادن به همه معضلات و گرفتاری های متعدد کارگران و مردم، از طریق همین مکانیزم روی می دهد. آگاهگری سوسیالیستی هدفش تسهیل انتخاب کل جنبش کارگری بر راه حل هایی است که به رهایی قطعی طبقه کارگر از استثمار و ستم طبقاتی منجر می شود. در ادامه، تاکید شد که حفظ این در هم آمیزی جنبش کارگری و سوسیالیسم و تعمیق و گسترش آن، می تواند یک تحول عظیم در رابطه با گرایش سوسیالیست و کل جنبش کارگری ایجاد کند و به جدایی تاریخی این دو پایان دهد. به گونه ای که بحث درباره تاریخ سوسیالیسم در ایران در عین حال بحثی درباره جنبش کارگری هم باشد و بالعکس.

۲ - رابطه تشکل حزبی و تشکل توده ای.

این بحث جایگاه هر کدام از این تشکلهای را در مبارزه طبقه کارگر بر شمرده و بر تشدید فعالیت برای ایجاد حزب تاکید کرد.

۳ - گزارش سیاسی

در ابتدا تاکید شد که این گزارش در ادامه گزارش سیاسی به جلسه شورای مرکزی (ژانویه ۲۰۱۵) است که تحت نام "ادامه بحران اقتصادی و ادامه فرصت های بزرگ" (نشریه به پیش، شماره ۸۶، ۲۷ اسفند ۱۳۹۳ - ۱۷ مارس ۲۰۱۵) علنی منتشر شد. به همین دلیل تاکید را بر تغییرات شش ماهه پس از آن گزارش گذاشت.

اوضاع ایران در پرتو بحران اقتصادی جهانی، اروپا و چشم انداز ادامه آن، اوضاع منطقه و رقابت چند کشور برای کسب سهم در شکل دادن به نظام امنیتی منطقه، و اوضاع سیاسی اقتصادی ایران پس توافقنامه اتمی در وین، موضوعات مورد بررسی این گزارش بود.

بحران اقتصادی جهانی کماکان ادامه دارد. انتخابات یونان، حزبی را که با شرایط ضد مردمی وام دهندگان مخالف بود، به قدرت رساند و سپس رفراندوم "نه به ریاضت کشی اقتصادی" پیروز شد. اما دولت جدید نیز تسلیم شرایط ضد کارگری وام دهندگان شد و در عمل تغییری در جهت گیری های ضد مردمی اقتصادی چند ساله گذشته در یونان ایجاد نکرد. از این منظر، یونان همچنان یک کانون بحرانی در اروپا است. هم می تواند تخفیف یافتن بحران اقتصادی در کل اروپا را به تعویق بیاندازد و هم می تواند پیشتاز عروج یک جنبش کارگری و مردمی در کل اروپا علیه راه حل های ریاضت کشی اقتصادی باشد.

در اقتصاد جهان، آمریکا به قیمت بیخانمانی و بیکاری و فقر میلیونها نفر در حال پشت سر گذاشتن بحران اقتصادی است اما در هم تنیدگی اقتصاد کل جهان و ادامه بحران اقتصادی در بقیه کشورهای مهم جهان محدودیت های بسیاری برای آمریکا ایجاد کرده است. از جمله همین هفته گذشته که بازار سهام چین سقوط بی سابقه ای داشت و دولت چین تلاش کرد تا آنرا کنترل کند. اگر اقدامات دولت چین با شکست روبرو گردد، گسترش بحران اقتصادی در چین که دومین اقتصاد جهان است، معنایی جز عمیق شدن بحران اقتصادی جهانی و تشدید حمله به زندگی مردم کل جهان و لاجرم برانگیختن مقاومت توده ای و کارگری علیه آن ندارد. از این منظر هنوز سوسیالیست ها فرصت بزرگی برای قرار گرفتن در راس مبارزات کارگران و مردم برای مقاومت علیه سیاست های ریاضت اقتصادی و پایان دادن به کل سیستم سرمایه داری دارند.

بخشی از گزارش سیاسی بر تاثیرات توافق اتمی رژیم اسلامی و کشورهای پنج باضافه یک در وین که چند روز قبل از شروع کنفرانس، انجام شده بود، متمرکز شد با تاکید بر موارد زیر :

رژیم اسلامی به دلیل نگرانی از به مخاطره افتادن کل موجودیتش از بروز اعتراضات کارگران و مردم علیه فقر و فساد به ناچار تسلیم قدرتهای بزرگ جهانی شد و مردم ایران پایان حماقت هسته ای و خطر حمله به ایران را جشن گرفتند.

اختلاف قدرت های جهانی با رژیم اسلامی هیچگاه بر سر حق غنی سازی نبود بلکه هدف رژیم اسلامی تحمیل قدرت خود به کشورهای خاورمیانه با پروژه اتمی بود و در پایان و با هزینه گزافی که ارقام نجومی آن بر مردم ایران پوشیده است، ناچار شد تسلیم شود و آنرا کنار بگذارد. اوضاع نابسامان و بغرنج منطقه خاورمیانه قبل از هر عاملی به کاهش قدرت اروپا و آمریکا در شکل دادن به نظم مورد نظر خود در این منطقه بر می گردد و محصول سه روند در هم تنیده شده است:

الف - سقوط رژیم سلطنتی و پایان عمر قدرت اول منطقه که جنگ هشت ساله ایران و عراق هم قادر نشد این معضل را حل کند.

ب - سقوط بلوک شرق که باعث تجدید تقسیم مجدد جهان شد و حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام در این چارچوب بود.

ج - از جمله اوضاع سوریه و مصر و سر بر آوردن دولت اسلامی (داعش) در سوریه و عراق که حاصل بحران اقتصادی جهانی از سال ۲۰۰۸ است. رقابت عربستان، ترکیه و رژیم اسلامی به شدیدترین مرحله خود یعنی جنگ در سوریه و یمن رسیده است.

پس از توافق اتمی، رژیم اسلامی باید بدون تهدید اتمی با رقبای خود در بیافتد. رقبایی که دوستان آمریکا و اروپا هستند اما حرف شنوی گذشته را ندارند. هنوز زود است که تأثیرات توافق اتمی هفته گذشته در وین را در آرایش منطقه خاور میانه سنجید. با این حال می توان گفت راه همواری در انتظار رژیم اسلامی نیست. موقعیت رژیم اسلامی در منطقه با این تسلیم تثبیت نشد. رژیم اسلامی تسلیم قدرت هایی شد که قادر نیستند سهم ایران در منطقه را بدهند، حتی اگر بخواهند. هر چند این توافقنامه باید در کنگره آمریکا تصویب شود و در صورت تصویب نشدن هم تعداد مخالفانش نباید در حدی باشد که اوپاما نتواند آنرا وتو کند.

با خیزش ۸۸ بی اعتمادی و ناکارایی صندوق رای برای دست یابی به حتی خواسته های ابتدایی به بخشهای مهمی از هواداران و وابستگان خود رژیم اسلامی هم سرایت کرد و گسترش یافت. یکی از اهداف کل رژیم باز گرداندن اعتماد بخشی از هوادارانش به صندوق رای بود. آنها با همدستی اصلاح طلبان و بخشی از لیبرالها چنین جلوه دادند که رای به روحانی، رای به مذاکرات هسته ای، رای به رفع تحریمها و بهبود اوضاع اقتصادی و رای به رفع خطر حمله به ایران است. در صورتیکه از بالا تا پائین اطلاع داشتند که یگانه تصمیم گیرنده نهایی در پروژه اتمی شخص خامنه ای است و همین خامنه ای بود که در ماه های آخر ریاست جمهوری خاتمی دستور داد تا پلمب های سازمان انرژی اتمی را باز کنند و غنی سازی را از سر بگیرند. الان حتی خود خامنه ای هم اعتراف کرد که از یکسال قبل از رئیس جمهور شدن روحانی، مذاکرات مخفیانه با آمریکایی ها با وساطت سلطان قابوس شروع شده بوده و انتخاب روحانی و آرایی که آمار آن را اعلام کردند، ذره ای تأثیر نداشته است. مضحک است که روحانی، اصلاح طلبان و بخشی از لیبرال ها هنوز از مقامات رژیم که با توافق هسته ای مخالف هستند، می خواهند که به رای مردم احترام بگذارند و پیام انتخابات سال ۹۲ را بپذیرند!

روندی از اوضاع سیاسی و اقتصادی و کلا آینده ای که لیبرالها و اصلاح طلبان پس از توافق اتمی ترسیم می کنند غیر واقعی و در خدمت خانه نشین کردن کارگران و مردم است تا برای خواست هایشان انتظار بکشند و مبارزه نکنند. وعده آنها مبنی بر باز شدن فضای سیاسی به دلیل تحولات در بالا و بین جناحهای رژیم، کاملاً بیهوده است و مطالبات سیاسی مردم نه با انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان و تغییر نمایندگان آن، بلکه با مبارزه جدی و سازمان یافته توده ای، نظیر اعتصابات کارگری و تظاهرات های خیابانی بدست می آید. این ها تلاش می کنند تا توقعات طبیعی کارگران و مردم برای بهبود اوضاع را، با توهم به بهبود خودبخودی اوضاع پاسخ دهند. اما سوسیالیستها توقعات کارگران و مردم زمینه سازماندهی و مبارزه برای مطالبات تلمبار شده سیاسی و اقتصادی است.

با رفع تحریمها که در بهترین حالت با گزارش مثبت آژانس اتمی از روند راستی آزمایشی رژیم اسلامی و از سال ۹۵ آغاز می شود، اوضاع اقتصادی ایران بهبود می یابد اما نه در حدی که تبلیغات لیبرال ها و اصلاح طلبان و با اهداف سیاسی خانه نشین کردن مردم و کارگران در بوق کرده اند. با رفع تحریم بانک ها، انتقال پول و داد و ستد با خارج ممکن میشود و بعضاً به راه اندازی مجدد بخش های کوچکی کمک می کند. میلیاردها دلاری که در خارج بلوکه شده آزاد میشود و بجز چین و روسیه دیگر کشورهای اروپا و آمریکا هم امکان می یابند به ایران جنس بفروشند. صادرات نفت ایران اگر سرمایه گذاری میلیاردری خارجی در آن صورت نگیرد، با دشواری به میزان قبل از تحریم ها یعنی دو میلیون بشکه در روز می

رسد. رژیم اسلامی پول نفتی را که می فروشد، دریافت می کند و تازه در بهترین حالت هم اوضاع اقتصادی در کوتاه مدت و به دلیل کاهش شدید قیمت نفت حتی شبیه اواسط دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد - که خبری از تحریم های شورای امنیت سازمان ملل نبود، نیز نمی شود. حتی اگر از مشکلات رژیم اسلامی برای به دست آوردن مشتریان سابق نفت خود و تخفیف هایی که باید بدهد، صرف نظر کنیم، افزایش صادرات نفت ایران، قیمت آن را از آنچه اکنون هست هم پائین تر می آورد و رژیم اسلامی حتی نصف درآمدهای نفتی دوران احمدی نژاد را نخواهد داشت. اگر از موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران صرف نظر کنیم که خود یک لیست بلند بالاست نظیر موانع حقوقی، سیاسی و اقتصاد سپاه پاسدارانی، فساد گسترده مالی، وجود شبکه عظیم مالی غیر بانکی قرض الحسنه، نظام معیوب مالیاتی که فقط مالیات بر دستمزد حقوق بگیران را دقیق و قبل از پرداخت کم می کند و برای غیر حقوق بگیران صدها راه فرار همراه با فساد و رشوه خواری باز گذاشته، با وجود همه اینها، کارشناسان اقتصادی اساسا سرمایه گذاری در رشته های اتومبیل سازی، نفت و گاز و پتروشیمی را در کوتاه مدت ممکن می دانند و اینکه تحت چه نوع قراردادهایی - کوتاه یا بلند مدت- بماند. اما هیچ یک از اینها اقتصاد ایران را از بحران خارج نمی کند. مطابق معیارهای سازمان ملل، ایران ریسک سرمایه گذاری بالایی دارد که تماما به حاکمیت یعنی رژیم اسلامی بر می گردد. تا آنجا که به نیروی کار بر می گردد رژیم اسلامی با سرکوب، اخراج، دستگیری و اعدام و همچنین قراردادهای سفید امضا یعنی فقدان هر نوع امنیت شغلی، حداقل دستمزدهای یک چهارم خط فقر، فقدان هر نوع تشکل و حق اعتصاب را به طبقه کارگر تحصیل کرده و صنعتی ایران تحمیل کرده است. اگر چه این سیاستهای ضد کارگری باز کردن در بهشت برای سرمایه گذاران خارجی است اما به تنهایی کافی نیست.

۴ - فعالیت های همبستگی

فاصله ایجاد شده بین فعالیت های همبستگی در خارج کشور، که توسط نهادها و تشکلهای مختلف انجام میشود با نیازهای جنبش کارگری در داخل، موضوع این دستور جلسه کنفرانس بود. هدف این گزارش تاکیدی بر ادامه فعالیتهای اتحاد سوسیالیستی کارگری در چند ماه گذشته برای کم کردن این فاصله و منطبق شدن این فعالیت ها با نیازهای روز و دوره ای جنبش کارگری ایران بود.

در این بحث تاکید شد که بسیاری از فعالیت های همبستگی که در قالب تشکل های مختلف انجام می گیرد، کما بیش از اهداف اولیه خود دور شده اند. در گذشته و در ابتدای کار، این تشکل ها ابزار کمک و حمایت از جنبش کارگری بوده اند. اما به مرور، هم جنبش کارگری پیشرفت زیادی کرده است و هم خود این تشکل ها دارای منافع خاص خود شده اند. به همین دلیل حمایت بسیاری از این تشکل ها از جنبش کارگری ایران و خواست ها و مطالباتش، تنها از روزه تنگ نظری صلاحدید منافع این تشکل ها صورت می گیرد. کارکرد اینها بیشتر شبیه احزاب و سازمان های سیاسی شده که مواضع خاص خود را دارند و از جنبش کارگری و خواست هایش هنگامی دفاع می کنند که بر اهداف و سیاست های حزب و سازمان شان منطبق باشد. حتی بعضا مرجع تشخیص صلاحیت تشکل های کارگری شده اند! اگر خواسته ای از طرف تعدادی از تشکلهای کارگری داخل مطرح شود که با معیارهای آنها از تعریف تشکل کارگری منطبق نباشد، از آن حمایت نمی کنند! جای اصل و حامی عوض شده است!

در پایان تاکید شد که فعالیت های همبستگی در خارج، کمک بزرگی به جنبش کارگری ایران بوده و خواهد بود. منفعت جنبش کارگری ایران در کاستن و از بین بردن فاصله ایجاد شده می باشد و فعالین جنبش کارگری در ایران برای تغییر اوضاع نامطلوب کنونی باید فعالانه دخالت کنند.

۵ - تلویزیون به پیش

تلویزیون به پیش اگر چه توسط اتحاد سوسیالیستی کارگری راه اندازی شده اما تلویزیون گرانش سوسیالیست جنبش کارگری است. پخش ماهواره ای تلویزیون به پیش رو به ایران، درست پس از پایان کنفرانس سال قبل آغاز شد و تاثیرات

مهم و تعیین کننده ای در فعالیت سازمان در جنبش کارگری داشته و چهره ای متفاوت اما به واقعیت نزدیک تری از اتحاد سوسیالیستی کارگری و فعالینش رو به بیرون ارائه کرده است.

در این گزارش اشاره شد که در ابتدای کار بخش اعظم انرژی سازمان صرف راه اندازی و تهیه برنامه برای تلویزیون شد. به مرور از تردیدها در توانایی تولید مرتب برنامه هفتگی کاسته شد و محتوای برنامه ها بیشتر مد نظر قرار گرفت. تلویزیون مخاطبان جدیدی در جنبش کارگری برای سیاستها و اهداف اتحاد سوسیالیستی کارگری فراهم کرده که به طور مثال توسط نشریه امکان پذیر نبود. امکان تاثیر گذاری بر نظر و عمل لایه جدیدی از فعالین کارگری را خلق کرده که کمک بزرگی برای تسهیل مبارزه فعالین گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری در محل کار و زیست طبقه کارگر در ایران است. در بخش پایانی گزارش به اهمیت تامین مالی هزینه های تلویزیون و تلاش برای تضمین ادامه کار فعالیت تلویزیون از طریق جمع آوری کمک مالی از همه کسانی خود را در اهداف گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری سهیم و شریک می دانند، تاکید شد.

۶ - گزارش عملکرد

گزارش عملکرد در فاصله دو کنفرانس موضوع این جلسه کنفرانس بود. ابتدا یک گزارش کلی و عمومی از فعالیت های سازمان ارائه شد و سپس فعالیت تک تک ارگان های تشکیلات توضیح داده شد و مسئولین هر عرصه نیز گزارش مبسوطی از فعالیت های خود ارائه کردند. در ادامه نقطه ضعف ها و نقطه قدرت های فعالیت های سازمان در هر عرصه و راههای بهبود کمی و کیفی آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۷ - انتخابات

انتخاب کمیته اجرایی آخرین دستور کنفرانس یازدهم اتحاد سوسیالیستی کارگری بود. ابتدا در مورد تعداد اعضای این کمیته تصمیم گرفته شد و سپس از میان رفقای کاندید کمیته اجرایی انتخاب شد.

کنفرانس با یک سخنرانی کوتاه اختتامیه که به مباحث کنفرانس بطور کلی و موقعیت و سهم جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری در مبارزات کل جنبش کارگری و همچنین نقش مهم آن در پایان دادن به جدایی سوسیالیسم از جنبش کارگری پایان یافت.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

اوت ۲۰۱۵

در این بحث نشان داده شد که چگونه در پانزده سال گذشته اتحاد سوسیالیستی کارگری بعنوان بخشی جدایی ناپذیر از فعل و انفعالات نظری و مبارزاتی جناح سوسیالیست جنبش کارگری، در مقاطع مختلف در مسیری که جنبش کارگری و فعالینش برگزیده اند، سهم اساسی داشته است. انتخاب راه حل سوسیالیستی برای پایان دادن به همه معضلات و گرفتاریهای متعدد کارگران و مردم از طریق همین مکانیزم روی می دهد. آگاهگری سوسیالیستی هدفش تسهیل انتخاب کل جنبش کارگری بر راه حل هایی است که به رهایی قطعی طبقه کارگر از استثمار و ستم طبقاتی منجر می شود.

فعالیت های همبستگی در خارج، کمک بزرگی به جنبش کارگری ایران بوده و خواهد بود. منفعت جنبش کارگری ایران در کاستن و از بین بردن فاصله ایجاد شده می باشد و فعالین جنبش کارگری در ایران برای تغییر اوضاع نامطلوب کنونی باید فعالانه دخالت کنند.